

دوفصلنامه جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه، سال دوم، بهار و تابستان ۱۳۹۲، صفحات ۱۴۴-۱۲۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۱۲/۰۲

تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۲/۰۸/۰۵

تأثیر حکمرانی خوب بر تولید ناخالص داخلی

محمدعلی متفکرآزاد^۱

احمد اسدزاده^۲

سعید گرشاسبی فخر^۳

چکیده

میزان تولید ناخالص داخلی و افزایش آن یکی از عوامل تعیین کننده رشد اقتصادی در هر کشوری می‌باشد، لذا بررسی عوامل موثر بر تولید ناخالص داخلی از اهمیت بالایی برخوردار می‌باشد، در این مقاله به دنبال بررسی تأثیر حکمرانی خوب بر تولید ناخالص داخلی کشورها هستیم، به همین منظور اطلاعات مربوط به ایران و ۷۴ کشور دنیا در سال ۲۰۰۸ را مورد بررسی قرار دادیم، در مدل مورد استفاده، تولید ناخالص داخلی را بر اساس فرم کاب-داگلاس تابعی از نحوه حکمرانی، سرمایه فیزیکی، نیروی کار و سرمایه انسانی قرار دادیم، کسش‌های تخمینی تولید ناخالص داخلی نسبت به نحوه حکمرانی، سرمایه فیزیکی، نیروی کار و سرمایه انسانی به ترتیب ۰/۸۰، ۰/۶۲ و ۰/۲۴ شدند و همگی از معنی داری آماری بالایی برخوردار هستند، این نتایج حاکی از تأثیر مثبت نحوه حکمرانی بر تولید ناخالص داخلی می‌باشد، به عبارت دیگر بهبود نحوه حکمرانی سبب افزایش سطح تولید ناخالص داخلی می‌شود، از دیگر نتایج این تحقیق می‌توان به تأثیر مثبت سرمایه فیزیکی و نیروی کار و سرمایه انسانی بر تولید ناخالص داخلی اشاره کرد.

واژگان کلیدی: نحوه حکمرانی، سرمایه فیزیکی، نیروی انسانی، تابع کاب-داگلاس، تولید ناخالص داخلی.

طبقه‌بندی JEL: Z13, O40, R11, P36, Z19

۱- استاد دانشکده اقتصاد مدیریت و بازرگانی دانشگاه تبریز

۲- استادیار دانشکده اقتصاد، مدیریت و بازرگانی دانشگاه تبریز

۳- عضو هیئت علمی دانشگاه آیت‌ا. العظمی بروجردی(ره) و دانشجوی دکتری اقتصاد دانشگاه تبریز

۱- مقدمه

تولید ناخالص داخلی و مقدار تغییرات آن عامل تعیین‌کننده رشد اقتصادی در یک کشور محسوب می‌شود، به عبارت دیگر رشد اقتصادی به معنای افزایش مستمر تولید ناخالص واقعی در یک کشور به عنوان معیاری برای سنجش عملکرد اقتصادی یک جامعه مطرح است و افزایش نرخ آن به بهبود رفاه اجتماعی منجر می‌گردد، سال‌های طولانی است که اقتصاددانان در پی کشف عواملی برآمده‌اند که بر سرمایه‌گذاری و رشد اقتصادی تأثیر گذارند، در مدل‌های سنتی رشد، کشورها و حتی فناوری‌ها، یکسان فرض می‌شدند، این مدل‌ها ریشه تفاوت نرخ سرمایه‌گذاری و رشد اقتصادی در کشورهای مختلف را به نرخ پس‌انداز و نرخ رشد عوامل تولید نسبت می‌دادند، در دومین مرحله اقتصاددانان تلاش نمودند تا با کنترل مدل نسبت به عوامل دیگر همچون سرمایه انسانی، درجه توسعه یافتگی بخش مالی، اهمیت و کیفیت سیاست‌های اقتصاد کلان در کشورهای مختلف، رشد پسماند توضیح داده نشده را به حداقل برسانند، در این مسیر حتی تفاوت کارکرد تکنولوژی در کشورها و مناطق مورد نظر قرار گرفت، ولی باز هم پسماند توضیح داده نشده قابل توجه بود، در سومین مرحله، پژوهشگران توجه خود را به عوامل غیر اقتصادی تأثیرگذار بر سرمایه‌گذاری و رشد متمرکز کردند. توجه به عوامل غیر اقتصادی به عنوان منشأ دیگری برای ناهمگنی کشورها، این پرسش را مطرح ساخت که چه ارتباطی میان نهادها به طور عام و نهادهای سیاسی و اجتماعی به طور خاص با سرمایه‌گذاری و رشد وجود دارند؟ (کميجانی و سلاطین، ۱۳۸۷).

از اواخر دهه ۱۹۹۰، محافل بین‌المللی سیاست‌گذاری اقتصادی مانند بانک جهانی، برنامه عمران سازمان ملل و تا حدودی صندوق بین‌المللی پول، سیاستی به نام "حکمرانی خوب" را به عنوان کلید معمای توسعه مطرح نمودند. حکمرانی در لغت به معنای اداره و تنظیم امور است و به رابطه میان شهروندان و حکومت‌کنندگان اطلاق می‌شود، به بیان دیگر هر قدر حاکمیت قانون بیش‌تر و دستگاه قضایی کارآمدتر و عادلانه‌تر و میزان مشارکت در یک کشور بیشتر باشد، حکمرانی در آن کشور بهتر است (میدری ۱۳۸۳).

هدف پژوهش حاضر، بررسی سهم حکمرانی خوب در تولید ناخالص داخلی ایران و ۷۴ کشور دیگر مورد مطالعه در سال ۲۰۰۸ می‌باشد. سؤال اصلی پژوهش این است که آیا تأثیر حکمرانی خوب بر تولید ناخالص داخلی، مثبت و به لحاظ آماری معنی‌دار می‌باشد؟ بر این اساس، این مقاله از ۷ بخش تشکیل شده است، در بخش دوم به تبیین مبانی نظری که مشتمل بر مفهوم حکمرانی خوب و محاسبه و اندازه‌گیری و نحوه اثرگذاری آن بر تولید ناخالص داخلی می‌باشد می‌پردازیم، بخش سوم به مطالعات تجربی داخلی و خارجی که در این زمینه انجام گرفته است می‌پردازد، در بخش چهارم داده‌ها، مدل تجربی ارائه گردیده و در بخش پنجم یافته‌های تجربی مقاله مورد بحث قرار می‌گیرد و نهایتاً در بخش ششم، خلاصه و نتیجه‌گیری نهایی مقاله بیان می‌شود.

۲- مبانی نظری

در حال حاضر انگیزه‌های زیادی برای بررسی مفهوم و ماهیت حکمرانی و نحوه تأثیرگذاری آن بر متغیرهای اقتصادی همچون تولید ناخالص داخلی و رشد اقتصادی و... وجود دارد، بر این اساس بانک جهانی و سایر موسسات پژوهشی بین‌المللی اقدام به تبیین مفهوم حکمرانی و بیان شاخص‌هایی در جهت اندازه‌گیری آن نموده‌اند و براین اساس، هر ساله اقدام به محاسبه کمی و حکمرانی و رتبه‌بندی کشورهای مختلف بر اساس کیفیت حکمرانی آن کشورها می‌نمایند، لذا به‌عنوان اولین قدم بیان مبانی نظری می‌بایست، حکمرانی و معیارهای اندازه‌گیری آن را بیان نماییم.

۱-۲- مفهوم نحوه حکمرانی و اندازه‌گیری آن

حکمرانی در لغت به معنای اداره و تنظیم امور است و به رابطه میان شهروندان و حکومت کنندگان اطلاق می‌شود، به بیان دیگر هر قدر حاکمیت قانون بیش‌تر و دستگاه قضایی کارآمدتر و عادلانه‌تر و میزان مشارکت در یک کشور بیشتر باشد، حکمرانی در آن کشور بهتر است (میدری ۱۳۸۳). شاخص حکمرانی، رابطه بین عملکرد حکومت و رضایت از زندگی را اندازه‌گیری می‌کند. این شاخص نشان می‌دهد که چگونه نوع حکومت یک کشور، مستقیماً بر کیفیت زندگی شهروندانش تأثیر می‌گذارد. شاخص مذکور به اندازه‌گیری مقدار

آزادی یا محدودیت‌های اقتصادی و سیاسی که برای شادی و خشنودی شهروندان ضروری می‌باشد، کمک می‌کند.

از آنجایی که اغلب مطالعاتی که در زمینه تأثیر حکمرانی بر متغیرهای اقتصادی صورت گرفته است بر اساس تعاریف بانک جهانی و محاسبات این بانک در زمینه حکمرانی صورت گرفته است، لذا برای تمایز بین این مقاله و سایر مطالعات انجام گرفته، آمار و اطلاعات مربوط به نحوه حکمرانی که مهم‌ترین قسمت این تحقیق می‌باشد و محاسبات مربوط به آن که از دشواری‌های خاص خود برخوردار است، از محاسبات و تخمین‌های یک موسسه تحقیقاتی معتبر انگلیسی تحت عنوان موسسه لگاتیم^۱ استفاده کردیم. این موسسه، هر ساله شاخصی را تحت عنوان شاخص رفاه و کامیابی^۲ برای اکثر کشورها محاسبه می‌کند، یکی از متغیرهایی که در محاسبه این شاخص در نظر گرفته می‌شود، نحوه حکمرانی می‌باشد، برای محاسبه شاخص نحوه حکمرانی که در واقع یکی از زیر شاخص‌های مورد محاسبه جهت به دست آوردن شاخص کامیابی و موفقیت می‌باشد، از ۹ متغیر استفاده شده است که به ترتیب زیر می‌باشند:

۱- اثربخشی حکومت

این متغیر، کارایی و کیفیت بوروکراسی، سطح ثبات دولت و اثربخشی آن با توجه به اجرای سیاست‌ها را شامل می‌شود.

۲- نقش قانون

این متغیر، شاخصی است برای اندازه‌گیری نقش قانون در یک جامعه. هر اندازه که افراد یک جامعه، به حقوق مالکیت، پلیس و سیستم قضایی احترام بگذارند، به همان اندازه نیز کیفیت پلیس و قانون حفظ می‌شود و قانون نقش پررنگ‌تری می‌گیرد.

۳- مقررات کسب و کار

1- Legatum

2- The Legatum Prosperity

این متغیر، مقدار مقررات مربوط به کسب و کار و تجارت را در یک جامعه اندازه می‌گیرد که شامل قوانین عمومی مربوط به سرمایه‌گذاری و رقابت می‌باشد.

۴- مشارکت سیاسی

این متغیر، مقدار برخورداری شهروندان از آزادی انتخاب سیاسی و همچنین حق قانونی و توانایی عملی در تغییر قوانین و صاحب منصبانی که، حکومت آنها را منصوب کرده است، را اندازه‌گیری می‌کند.

۵- اطمینان در سیستم قضایی

این متغیر مقدار اطمینان مردم به سیستم قضایی و دادگاه‌ها را اندازه‌گیری می‌کند.

۶- اطمینان در انتخابات

این متغیر مقدار اطمینان مردم در مورد انتخابات و میزان درستی آن را اندازه‌گیری می‌کند.

۷- انحراف و فساد در دادوستد و تجارت

این متغیر مقدار انحراف و فساد در دادوستد و تجارت و کسب و کار را اندازه‌گیری می‌کند.

۸- اطمینان در ارتش

این متغیر مقدار اطمینان مردم به ارتش و نیروهای نظامی را اندازه‌گیری می‌کند.

۹- فساد حکومت

این متغیر مقدار فساد گسترش یافته در حکومت را اندازه‌گیری می‌کند.

در واقع تعریف ما از حکمرانی در این مقاله مبتنی بر ۹ متغیر یاد شده است و بدیهی است که اگر هر یک از متغیرهای مذکور در وضعیت بهتری قرار داشته باشد، نشان‌دهنده وضعیت بهتر حکمرانی می‌باشد، هر یک از این متغیرها دارای وزن تعریف‌شده‌ای هستند و میانگین وزنی آنها عددی را به دست می‌دهد که نشان‌دهنده شاخص نحوه حکمرانی برای کشور مورد نظر می‌باشد، البته از آنجایی که برای بیان نحوه حکمرانی نمی‌توان واحدی را

در نظر گرفت لذا اعداد به دست آمده بین صفر و ۱۰۰ بوده و مقایسه نحوه حکمرانی بین کشورها را نشان می‌دهند. هر کشوری که دارای نحوه حکمرانی بهتری باشد شاخص محاسبه شده برای آن کشور نیز بزرگ‌تر خواهد بود و عدد ۱۰۰ به کشوری اختصاص می‌یابد که دارای بالاترین ضریب نحوه حکمرانی باشد، نتایج نهایی مربوط به محاسبات این شاخص در جدول شماره ۱ آورده شده است، بر این اساس در بین کشورهای مورد بررسی در این مقاله و مبتنی بر محاسبات موسسه لگاتیوم، بهترین نحوه حکمرانی، به کشور دانمارک و بدترین نحوه حکمرانی به کشور ونزولا اختصاص دارد.

جدول (۱) محاسبه ضریب نحوه حکمرانی بر اساس ۱۰ متغیر تعریف شده

نام کشور	نحوه حکمرانی	نام کشور	نحوه حکمرانی	نام کشور	نحوه حکمرانی
دانمارک	۱۰۰	اروگوئه	۶۳/۹۵۵	دومینیکن	۴۵/۳۸۷
فلاند	۹۶/۵۵۸	لهستان	۶۲/۵۷۳	مقدونیه	۴۵/۲۴۹
سوئد	۹۴/۱۵	اسلواکی	61.736	رمانی	۴۳/۷۴۹
هنگ کنگ	۹۲/۶۲۳	لتونی	۶۱/۶۲۲	مراکش	۴۲/۲۵۳
نروژ	۹۲/۰۴۸	ایتالیا	۶۰/۷۳۸	فیلیپین	۴۱/۸۴۴
هلند	۹۱/۱۵۱	تونس	۶۰/۲۰۴	گواتمالا	۳۹/۸۶
کانادا	۹۰/۱۹۷	کاستاریکا	۵۹/۵۶۸	هندوراس	۳۹/۵۴۱
استرالیا	۹۰/۱۴۳	تایلند	۵۶/۹۳۲	ویتنام	۳۶/۹۰۱
انگلستان	۸۷/۵۰۵	هند	۵۶/۷۵۸	ایران	۳۶/۵۵۵
اتریش	۸۷/۱۸۶	کرواسی	۵۵/۸۹۷	پاراگوئه	۳۶/۲۹۷
بلژیک	۸۲/۷۶۷	کنیا	۵۳/۹۹۱	زامبیا	۳۵/۷۰۲
آمریکا	۸۲/۳۸۶	بلغارستان	۵۱/۸۷۴	لبنان	۳۴/۱۶۷
آلمان	۸۱/۶۹۵	نامیبیا	۵۱/۸۶۴	پاکستان	۳۳/۹۲۶
فرانسه	۷۸/۹۵۹	آفریقای جنوبی	۵۱/۸۰۶	بولیوی	۳۲/۵۹۵
استونی	۷۵/۳۷۷	ترکیه	۵۱/۰۴۹	روسیه	۳۱/۶۸۲
ژاپن	۷۵/۰۱۷	پاناما	۵۰/۶۸	اکوادور	۳۱/۳۹۵
اسپانیا	۷۴/۳۴۴	مکزیک	۵۰/۴۰۱	مولداوی	۲۹/۹۲۴
شیلی	۷۱/۷۰۳	برزیل	۴۸/۸۶۶	مصر	۲۹/۳۹۵
بوتسوانا	۷۱/۳۵۴	قنا	۴۷/۵۹۲	اکراین	۲۸/۴۹۶

۲۸/۱۵۵	چین	۴۷/۲۶	سنگال	۶۹/۸۸۴	اسلونی
۲۷/۱۹۱	سودان	۴۷/۰۵۴	اردن	۶۹/۰۶۱	پرتقال
۲۷/۱۸	ازبکستان	۴۶/۹۶۵	السالوادور	۶۷/۵۸۷	کره جنوبی
۱۱۹/۲۷	قزاقستان	۴۶/۷۳۴	سريلانکا	۶۶/۱۵۹	جمهوری چک
۲۷/۰۲۶	بلاروس	۴۶/۲۲۱	بنگلادش	۶۵/۳۲	مجارستان
۲۳/۲۱۳	ونزوئلا	۴۵/۸۶۵	اندونزی	۶۵/۲۴۹	یونان

منبع: محاسبات موسسه لگاتیوم

۲-۲- نحوه اثرگذاری حکمرانی بر تولید ناخالص داخلی

در واقع نحوه حکمرانی در یک کشور در بسیاری از موارد در ارتباط مستقیم با نهادهای موجود در یک کشور می‌باشد، با در نظر گرفتن پژوهش‌های مختلفی که در زمینه درج عوامل نهادی همچون نوع حاکمیت در توابع تولید انجام گرفته و با توجه به مبانی نظری که گفته شد، مدل مورد استفاده در این مقاله بر اساس مبانی نظری گفته شده و با الهام از مدل کی و همکاران (Ke et al 2011) می‌باشد، بر این اساس تابع تولید را به صورت کاب-داگلاس در نظر می‌گیریم که در آن تولید واقعی تابع نیروی کار، سرمایه فیزیکی، سرمایه انسانی و شاخص حکمرانی به عنوان عامل نهادی می‌باشد:

$$Y_i = AK_i^\alpha L_i^\beta H_i^\gamma G_i^\theta$$

در این تابع تولید Y_i تولید ناخالص داخلی، L_i نیروی کار، K_i سرمایه فیزیکی، H_i سرمایه انسانی و G_i ضریب نحوه حکمرانی کشور نام است؛ A نیز پارامتر فن‌آوری را نشان می‌دهد و منعکس‌کننده تکنولوژی تولید هر کشور است و اینکه هر کشور چگونه می‌تواند نهاده‌ها را به ستاده تبدیل نماید.

α ، β ، γ و θ به ترتیب نشان‌دهنده کشش‌های تولیدی نسبت به سرمایه فیزیکی،

نیروی کار، سرمایه انسانی و نحوه حکمرانی می‌باشند و به صورت زیر به دست می‌آیند:

$$E_{Y_i, K_i} = \frac{dY_i}{dK_i} \cdot \frac{K_i}{Y_i} = \alpha AK_i^{\alpha-1} L_i^\beta H_i^\gamma G_i^\theta \cdot \frac{K_i}{Y_i} = \alpha AK_i^{\alpha-1} L_i^\beta H_i^\gamma G_i^\theta \cdot \frac{K_i}{AK_i^\alpha L_i^\beta H_i^\gamma G_i^\theta} = \alpha$$

$$E_{Y_i, L_i} = \frac{dY_i}{dL_i} \cdot \frac{L_i}{Y_i} = \beta AK_i^\alpha L_i^{\beta-1} H_i^\gamma G_i^\theta \cdot \frac{L_i}{Y_i} = \beta AK_i^\alpha L_i^{\beta-1} H_i^\gamma G_i^\theta \cdot \frac{L_i}{AK_i^\alpha L_i^\beta H_i^\gamma G_i^\theta} = \beta$$

$$E_{Y_i, H_i} = \frac{dY_i}{dH_i} \cdot \frac{H_i}{Y_i} = A\gamma K_i^\alpha L_i^\beta H_i^{\gamma-1} G_i^\theta \cdot \frac{H_i}{Y_i} = A\gamma K_i^\alpha L_i^\beta H_i^{\gamma-1} G_i^\theta \cdot \frac{H_i}{AK_i^\alpha L_i^\beta H_i^\gamma G_i^\theta} = \gamma$$

$$E_{Y_i, G_i} = \frac{dY_i}{dG_i} \cdot \frac{G_i}{Y_i} = A\theta K_i^\alpha L_i^\beta H_i^\gamma G_i^{\theta-1} \cdot \frac{G_i}{Y_i} = A\theta K_i^\alpha L_i^\beta H_i^\gamma G_i^{\theta-1} \cdot \frac{G_i}{AK_i^\alpha L_i^\beta H_i^\gamma G_i^\theta} = \theta$$

تخمین کشش‌های تولیدی دلالت‌های بسیار مفیدی برای ما خواهند داشت و در واقع نشان‌دهنده نحوه و میزان تأثیرگذاری نهاده‌های تولیدی مورد نظر بر روی تولید ناخالص داخلی و در نتیجه رشد اقتصادی می‌باشند.

۳- پیشینه مطالعه

۳-۱ مطالعات داخلی

کمیجانی و سلاطین (۱۳۸۹) در مقاله خود تأثیر حکمرانی خوب بر رشد اقتصادی را در میان کشورهای منتخب اوپک و OECD برای سال‌های ۱۹۹۶-۲۰۰۷ مورد بررسی قرار دادند، آن‌ها با استفاده از شش شاخص محاسبه شده توسط بانک جهانی، وضعیت حکمرانی را در این کشورها مورد بررسی قرار دادند، این شاخص‌ها عبارتند از: حق اظهارنظر و پاسخگویی، ثبات سیاسی و عدم خشونت، کارایی و اثربخشی دولت، کیفیت مقررات، حاکمیت قانون و کنترل فساد.

بر اساس نتایج این تحقیق، ارتباط مثبت و معنی داری میان شاخص کیفیت حکمرانی و رشد اقتصادی وجود دارد، اما این تأثیرگذاری در کشورهای عضو اوپک بیشتر از کشورهای عضو OECD می‌باشد، همچنین، شاخص ثبات سیاسی در گروه کشورهای عضو اوپک و شاخص کنترل فساد در میان کشورهای عضو OECD دارای بیشترین تأثیر بر نرخ رشد اقتصادی می‌باشند.

عادلی و همکاران (۱۳۸۷) در مطالعه‌ای به بررسی تأثیر حکمرانی خوب و سایر متغیرهای اقتصادی بر جذب سرمایه گذاری مستقیم خارجی پرداخته‌اند، آن‌ها در مطالعه خود اطلاعات مربوط به ۳۴ کشور با درآمد متوسط از جمله ایران را برای سال‌های ۱۹۹۶ تا ۲۰۰۴ مورد بررسی قرار دادند، در این مقاله نیز از شاخص‌های شش‌گانه محاسبه شده توسط

بانک جهانی جهت تبیین و بررسی نحوه حکمرانی استفاده شده است، بر اساس نتایج این تحقیق، میانگین وزنی شاخص‌های شش‌گانه حکمرانی تأثیر مثبت و معنی‌داری بر جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی دارد.

مبارک و آذریبوند (۱۳۸۸) در مقاله خود به بررسی شاخص‌های حکمرانی خوب از منظر اسلامی پرداخته‌اند، آن‌ها در ادامه با استفاده از شاخص‌های شش‌گانه بانک جهانی به بررسی تأثیر حکمرانی خوب بر رشد اقتصادی در میان کشورهای اسلامی در سال‌های ۱۹۸۰-۲۰۰۵ پرداخته‌اند، در این مقاله علاوه بر نهادهای حکمرانی به بررسی تأثیر نهادهای دموکراتیک و تأثیر آن بر رشد اقتصادی نیز پرداخته شده است، بر اساس یافته‌های این تحقیق رابطه مثبت و معنی‌داری بین محیط نهادی و رشد اقتصادی وجود دارد، همچنین بر اساس نتایج این مطالعه، میزان اثرگذاری فاکتورهای نهادی و حکمرانی برای کشورهای ایران، مصر، ترکیه و اندونزی نسبت به کشورهای دیگر کمتر می‌باشد، البته نویسندگان این مقاله به این نتیجه می‌رسند که تأثیر دموکراسی بر رشد اقتصادی مبهم می‌باشد و در مجموع نهادهای حاکمیتی یا در شکل کلی‌تر حکمرانی خوب نسبت به نهادهای دموکراتیک اهمیت بیشتری برای رشد اقتصادی دارند.

مهرآرا و اسدیان (۱۳۸۸)، در مقاله‌ای به بررسی تأثیر حکمرانی خوب و سایر متغیرها بر جذب سرمایه‌گذاری خارجی در کشورهای با درآمد متوسط در سال‌های ۱۹۹۶ تا ۲۰۰۵ پرداخته‌اند، نتایج تخمین آن‌ها نشان می‌دهد که شاخص حکمرانی خوب، تولید ناخالص داخلی سرانه و زیرساخت‌ها اثر مثبت و معنی‌داری و نرخ تورم اثر منفی و معنی‌داری بر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی داشته‌اند، در این تحقیق علاوه بر بررسی تأثیر کلی شاخص حکمرانی بر جذب سرمایه‌گذاری خارجی، تأثیر هرکدام از اجزای حکمرانی بر این متغیر اقتصادی نیز مورد بررسی قرار گرفته است، که هر یک از اجزای شاخص حکمرانی یعنی حق اظهار نظر و پاسخگویی، ثبات سیاسی، اثر بخشی، کیفیت قوانین و مقررات، حاکمیت قانون و کنترل فساد، تأثیر مثبت و معنی‌داری بر جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی دارند که در میان آن‌ها کنترل فساد بیشترین نقش و تأثیر بر جذب سرمایه‌گذاری خارجی را داشته است.

۲-۳ مطالعات خارجی

موریسی و همکاران (Morrissey et al 2012) در مقاله خود به بررسی تأثیر حکمرانی بر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و سرمایه‌گذاری داخلی بخش خصوصی و رابطه بین این دو پرداخته‌اند، به همین منظور آن‌ها اطلاعات مربوط به ۴۶ کشور در حال توسعه برای دوره ۱۹۹۶-۲۰۰۹ را مورد بررسی قرار دادند، هدف این مقاله در واقع بررسی این موضوع است که آیا سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی باعث بیرون راندن سرمایه‌گذاری خصوصی داخلی می‌شود و آیا شاخص‌های مختلف حکمرانی، تأثیرات متفاوتی بر روی رابطه بین سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و سرمایه‌گذاری خصوصی داخلی دارند، نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که کل سرمایه‌گذاری یعنی، مجموع سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و خصوصی داخلی در کشورهای با وضعیت حکمرانی بهتر، بیشتر می‌باشد، همچنی در این تحقیق شواهدی مبنی بر بیرون رانی سرمایه‌گذاری خصوصی داخلی توسط سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و ارتباط این موضوع با حکمرانی به دست آمده است، فساد و بی‌ثباتی سیاسی، از شاخص‌های حکمرانی هستند که بر اساس این مقاله، بیشترین اثر را بر سرمایه‌گذاری دارند، همچنین بی‌ثباتی سیاسی مهم‌ترین جنبه حکمرانی است که بر رابطه بین سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و سرمایه‌گذاری خصوصی داخلی دارد، در رژیم‌های دارای ثبات سیاسی، یک افزایش در سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، بیشترین اثر را در کاهش سرمایه‌گذاری خصوصی داخلی (و در مجموع افزایش سرمایه‌گذاری) دارد.

والنتین و همکاران (Valentin et al 2012) در مقاله خود به بررسی تأثیر حکمرانی خوب بر کسب و کار پرداختند، به همین منظور آنها به بررسی مقطعی بین‌المللی بین مجموعه‌ای از شرکت‌های ۲۰ کشور آفریقایی پرداختند، از نظر آن‌ها حکمرانی خوب می‌تواند هزینه‌های نااطمینانی، دادوستد، جستجو و تولید را کاهش دهد و سرانجام عملکرد شرکت را تحت تأثیر قرار دهد، به همین جهت آن‌ها در این مقاله به دنبال یافتن رابطه‌ای بین حکمرانی خوب و سودآوری شرکت‌های انفرادی هستند، شاخص‌های حکمرانی مورد استفاده در این مقاله بر اساس شاخص‌های محاسبه شده بانک جهانی می‌باشد، یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که بهبود حکمرانی خوب در کشورهای دارای رتبه پایین حکمرانی

نسبت به کشورهای دارای رتبه بالای حکمرانی، اثر بزرگتری بر سودآوری شرکتها می‌گذارد، حکمرانی خوب منجر به سرمایه‌گذاری با ریسک پایین و بازگشت بالا می‌گردد و لذا تغییرپذیری سودآوری شرکتها را کاهش می‌دهد. از دیگر نتایج این تحقیق می‌توان به وابستگی نقش حکمرانی خوب به سطح درآمد کشورها اشاره کرد، به این صورت که در کشورهای با درآمد پایین نسبت به کشورهای با درآمد بالا، بهبود حکمرانی عمومی، با احتمال بیشتری، سودآوری شرکتها را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

هوینه و همکاران (Huynh et al 2009) با استفاده از روش‌های غیرپارامتری، به بررسی تجربی رابطه بین رشد و حکمرانی پرداخته‌اند، آن‌ها از شش شاخص محاسبه شده توسط بانک جهانی و به صورت مجزا به بررسی رابطه بین آن‌ها و رشد اقتصادی پرداخته‌اند، آن‌ها به این نتیجه رسیدند که تنها سه شاخص از شش شاخص محاسبه شده یعنی حق اظهار نظر و پاسخگویی، ثبات سیاسی و حاکمیت قانون رابطه معنی‌داری با رشد اقتصادی دارند و این رابطه به صورت غیر خطی می‌باشد، از طرف دیگر سه شاخص اثر بخشی حکومت، کیفیت قوانین و مقررات و کنترل فساد، تأثیر معنی‌داری بر رشد اقتصادی ندارند.

آیدت و همکاران (Aidt et al, 2008) در پژوهشی به بررسی تئوریک و عملی نوع حکمرانی و تأثیر آن بر رابطه بین فساد و رشد اقتصادی پرداخته‌اند، آن‌ها در مقاله خود، نقش حق اظهارنظر سیاسی را به عنوان عامل تعیین کننده فساد و رشد مورد بررسی قرار داده‌اند، در این مطالعه دو نوع رژیم حکمرانی تعریف شده به وسیله کیفیت نهادهای سیاسی مشخص شده است و نشان داده می‌شود که ارتباط بین فساد و رشد اقتصادی، مخصوص یک نوع از این رژیم‌های حکمرانی است، در مدل مورد استفاده در این مقاله، فساد به عنوان یک متغیر درون‌زا رفتار می‌کند، بر اساس این مدل دو نوع رژیم حکمرانی با توجه به کیفیت نهادهای سیاسی وجود دارد، در رژیم‌های دارای نهادهای سیاسی با کیفیت بالا، فساد اثر قابل توجه منفی بر رشد اقتصادی دارد، اما در رژیم‌هایی که دارای نهادهای سیاسی با کیفیت پایین هستند، فساد اثری بر رشد اقتصادی ندارد.

لیو و همکاران (Lio et al 2008) در یک تحلیل بین‌کشوری به بررسی تأثیر حکمرانی بر بهره‌وری کشاورزی پرداختند، آن‌ها نیز رابطه بین عملکرد کشاورزی و حکمرانی را با

استفاده از شاخص‌های بانک جهانی انجام دادند، در این مقاله دو الگو برای آزمایش این فرضیه که حکمرانی، باعث بهبود بهره‌وری کشاورزی می‌شود، استفاده شده است، نتایج تجربی هر دو الگو تأییدکننده این فرضیه هستند، با توجه به الگوی اول، نتایج تخمین تابع تولید کل بین کشوری محصولات کشاورزی نشان می‌دهد که کشوری با حکمرانی بهتر، با مقدار یکسانی از نهاده‌های کشاورزی، سطح آموزش یکسان و شرایط آب و هوایی یکسان، می‌تواند محصولات کشاورزی بیشتری تولید کند. با توجه به الگوی دوم، نتایج تجربی یک مدل معادله ساختاری آشکار می‌کند که با توجه به مقدار یکسانی از موجودی سرمایه کشاورزی و زمین، یک نیروی کار بخش کشاورزی در یک کشور با حکمرانی بهتر مقدار بیشتری محصول تولید می‌کند. در مجموع، نتایج تجربی این تحقیق نشان می‌دهد که حکمرانی یک عامل اساسی توضیح‌دهنده عملکرد اقتصادی ضعیف کشورهای در حال توسعه می‌باشد، و برای بهبود عملکرد کشاورزی بسیاری از کشورهای در حال توسعه، صرف نظر از سرمایه‌گذاری‌های آموزشی و فیزیکی، می‌بایست تأکید زیادی بر بهبود زیرساخت‌های حکمرانی این کشورها داشت.

جلیلیان و همکاران (Jalilian et al 2007) در مقاله خود با استفاده از یک مدل اقتصادسنجی به بررسی اثر قوانین و مقررات حکومتی بر رشد اقتصادی در بین کشورهای در حال توسعه می‌پردازند، بر اساس این مقاله قوانین و مقررات یک کشور می‌تواند به عنوان یکی از معیارهای حکمرانی خوب در نظر گرفته شود، ارائه یک رژیم قانونی که رشد اقتصادی را ترویج دهد و نه اینکه تحت فشار قرار دهد یکی از بخش‌های مهم حکمرانی خوب است. تأثیر نهادهای قانونی بر رشد اقتصادی به کارایی سیاست‌های قانونی و ابزارهای مورد استفاده و کیفیت فرآیندهای حکمرانی تجربه شده توسط حکمرانان بستگی دارد. در این مقاله این فرضیه که کیفیت و کارایی قوانین، عملکرد اقتصادی یک کشور را تحت تأثیر قرار می‌دهد، در قالب دو مدل داده‌های مقطعی و پنل مورد بررسی قرار گرفته است. اطلاعات مورد استفاده در مدل داده‌های مقطعی شامل اطلاعات ۱۱۷ کشور است که میانگین داده‌های سال‌های ۱۹۸۰ تا ۲۰۰۰ برای آن در نظر گرفته شده است، در مدل داده‌های ترکیبی نیز، اطلاعات ۹۶ کشور جهان برای دوره ۱۹۸۰ تا ۲۰۰۰ مورد بررسی قرار

گرفته است، نتایج مبتنی بر هر دو الگوی مورد استفاده، تأییدکننده یک رابطه سببی میان کیفیت مقررات و عملکرد اقتصادی می‌باشد.

۴- روش مطالعه

۴-۱- نوع مطالعه

این مطالعه از نوع تحلیلی- توصیفی است. در این تحقیق ابتدا با استفاده از روش کتابخانه‌ای، آمار و اطلاعات، مبانی نظری و تجربی تحقیق جمع‌آوری می‌شود، سپس داده‌های جمع‌آوری شده با استفاده از روش‌های آمار توصیفی و تحلیلی مورد پردازش قرار می‌گیرد و با استفاده از مبانی نظر و تجربی، الگوی اقتصادسنجی معرفی و به روش مناسب تخمین زده می‌شود.

۴-۲- جامعه آماری و روش گردآوری اطلاعات

در تحقیق حاضر برای گردآوری آمار و ارقام و مستندات تاریخی از روش کتابخانه‌ای استفاده شده است و آمار مورد استفاده، مجموعه داده‌های مقطعی، مربوط به ایران و ۷۴ کشور دیگر برای سال ۲۰۰۸ میلادی می‌باشد که همه آمارها بجز نحوه حکمرانی از وبسایت بانک جهانی استخراج گردیده است، آمار مربوط به نحوه حکمرانی نیز از مطالعات و پژوهش‌های موسسه تحقیقاتی لگاتیوم انگلیس که شرح حال آن گذشت به دست آمده است. در انتخاب این ۷۵ کشور سعی شده است از تمامی نواحی و قاره‌ها، کشورهای بزرگ و کوچک پیشرفته و درحال توسعه و عقب مانده انتخاب شود، تا امکان مقایسه بهتر و مستدل‌تری وجود داشته باشد؛ البته مهم‌ترین محدودیتی که در انتخاب کشورها وجود داشته است، در دسترس و موجود بودن آمارهای مربوط به این کشورها بوده است.

۵- یافته‌های تحقیق

۵-۱- آزمون همسانی واریانس

آزمون عمومی ناهمسانی واریانس، که توسط وایت (White, 1980) ارائه شده است، تکیه‌ای بر فرض نرمال بودن ندارد و کاربرد آن نیز آسان است، بر اساس این روش ابتدا، مدل مورد نظر با فرض عدم وجود ناهمسانی واریانس تخمین زده می‌شود و سپس باقیمانده‌های

تخمین زده شده، \hat{u}_i را به دست می‌آوریم، سپس با کمک آن، یک معادله رگرسیون کمکی را در نظر گرفته و R^2 آن را به دست می‌آوریم، در این معادله رگرسیون کمکی، مجذور \hat{u}_i یعنی \hat{u}_i^2 ، به عنوان متغیر وابسته و متغیرهای مستقل معادله اصلی رگرسیون و مجذور آنها به عنوان متغیر مستقل در نظر گرفته می‌شوند، بر این اساس، معادله کمکی برای مدل ما به صورت زیر نوشته می‌شود:

$$\hat{u}_i^2 = \alpha_1 + \alpha_2 \text{Ln}K_i + \alpha_3 \text{Ln}L_i + \alpha_4 \text{Ln}H_i + \alpha_5 \text{Ln}Gov_i + \alpha_6 (\text{Ln}K_i)^2 + \alpha_7 (\text{Ln}L_i)^2 + \alpha_8 (\text{Ln}H_i)^2 + \alpha_9 (\text{Ln}Gov_i)^2 + v_i$$

بر اساس مقاله وایت، تحت فرضیه H_0 ، که مبتنی بر عدم وجود ناهمسانی واریانس است، می‌توان مشاهده کرد که تعداد نمونه، ضرب در R^2 به دست آمده از رگرسیون کمکی به طور مجانب دارای توزیع کای دو با درجه آزادی برابر تعداد ضرایب تخمینی رگرسیون کمکی بجز عرض از مبدأ می‌باشد، یعنی:

$$n * R^2 \sim \chi_{df}^2$$

حال اگر مقدار آماره محاسبه شده، از مقدار بحرانی با توجه به درجه آزادی و سطح معنی داری مورد نظر بزرگ‌تر باشد، فرضیه H_0 رد می‌شود یعنی ناهمسانی واریانس وجود دارد و اگر آماره محاسبه شده از مقدار بحرانی کوچک‌تر باشد، فرضیه H_0 پذیرفته می‌شود، یعنی ناهمسانی واریانس وجود ندارد (Gujarati, 2004)، بر اساس توضیحات داده شده داریم:

$$\begin{cases} H_0 : \sigma_i^2 = \sigma_j^2 \\ H_1 : \sigma_i^2 \neq \sigma_j^2 \quad (i \neq j) \end{cases}$$

با استفاده از آزمون وایت، همان طور که در جدول شماره ۱ نشان داده شده است، آماره $obs * R\text{-squared}$ (تعداد مشاهدات ضرب در R^2) توسط نرم‌افزار *Eviews* محاسبه می‌شود، که دارای توزیع کای دو می‌باشد.

$$Obs * R\text{-squared} = 75 * 0 / 614460 = 46 / 08447$$

با توجه به سطح معنی‌داری ۵ درصد و درجه آزادی ۸ مقدار بحرانی به صورت زیر به دست می‌آید:

$$\chi_{df=8}^2 = 15/5073$$

با توجه به محاسبات انجام گرفته که خلاصه آن در جدول شماره ۱ آمده است، فرض همسانی واریانس رد می‌شود و لذا برای تخمین مدل می‌بایست از روش WLS استفاده نماییم.

جدول شماره (۱) نتایج آزمون وایت

نوع آماره	مقدار بحرانی	مقدار آماره محاسبه شده	احتمال پذیرش فرضیه H_0
Obs*R-squared	۱۵/۵۰۷۳	۴۶/۰۸۴۴۷	۰/۰۰۰۰

۲-۵- تخمین مدل

نقطه شروع تحلیل اقتصادسنجی ما که براساس مبانی نظری و تجربی شکل گرفته، مدل زیر می‌باشد:

$$GDP_i = AK_i^\alpha L_i^\beta H_i^\gamma (Gov)_i^\theta e^{U_i}$$

که متغیرهای به کار رفته در آن عبارتند از:

GDP_i ، تولید ناخالص داخلی، که بیانگر تولیدات یک کشور است و ارزش محصولات و کالاهای تولید شده نهایی در داخل هر کشور به قیمت‌های ثابت سال ۲۰۰۰ را نشان می‌دهد.

K_i ، سرمایه ثابت ناخالص، که بیانگر موجودی سرمایه فیزیکی است و ارزش کارخانه‌ها، ماشین‌آلات، ساختمان، تجهیزات خرید و ساخت و ساز و سایر زیرساخت‌ها را به قیمت‌های ثابت سال ۲۰۰۰ نشان می‌دهد.

L_i ، که بیانگر نیروی کار است و کل جمعیت شاغل یک کشور را نشان می‌دهد.

H_i ، که بیانگر سرمایه انسانی است و کل مخارج هزینه شده در بخش آموزش یک کشور را نشان می‌دهد.

Gov_i ، که بیانگر شاخص مربوط به نحوه حکمرانی هر کشور می‌باشد.

u_i جمله اختلال

اما از آنجایی که تابع کاب-داگلاس یک تابع خطی نیست، لذا برای تخمین کَشش‌های تولیدی می‌بایست آن را به یک تابع خطی تبدیل نماییم، برای این منظور از طرفین این تابع، لگاریتم طبیعی می‌گیریم:

$$\ln GDP_i = \ln A + \alpha \ln K_i + \beta \ln L_i + \gamma \ln H_i + \theta \ln Gov_i + U_i$$

در این حالت تابع تولید ما به یک تابع خطی تبدیل می‌شود که با استفاده از روش حداقل مربعات وزنی (WLS) امکان تخمین زدن ضرایب آن ایجاد می‌شود، ضرایب تخمینی در واقع کَشش تولیدی نهاده‌های مختلف تولید می‌باشند.

ضرایب تخمینی می‌توانند به‌عنوان کَشش تولید تفسیر شوند، یعنی این ضرایب درصد تغییر در نرخ تولید ناخالص داخلی، در اثر یک واحد تغییر در هر یک از متغیرهای توضیحی را نشان می‌دهند.

نتایج حاصل از برآورد مدل بر اساس روش حداقل مربعات وزنی در جدول ۲ نشان داده شده است، همان طوری که در این جدول مشخص است با توجه به آماره t -استیودنت، ضرایب تخمینی همگی به لحاظ آماری معنی‌دار هستند و معادله تخمینی به صورت زیر به دست می‌آید:

$$\ln GDP_i = -1.69 + 0.61 \ln K_i + 0.345 \ln L_i + 1.933 \ln H_i + 0.83 \ln Gov_i + U_i$$

بر اساس ضرایب تخمینی می‌توانیم تابع کاب داگلاس به‌دست آمده بر اساس داده‌های این مطالعه را به صورت زیر بازنویسی نماییم:

$$Y_i = -1/691 K_i^{0/610} L_i^{0/345} H_i^{1/933} Gov_i^{0/836}$$

همانطور که در این تابع مشخص است کشش تولیدی نهاده‌های تولید همگی مثبت هستند، بر این اساس کشش تولیدی سرمایه فیزیکی عدد $0/610$ می‌باشد و مفهوم آن این است که ۱ درصد افزایش در سرمایه فیزیکی سبب $0/610$ درصد افزایش در تولید ناخالص داخلی می‌شود، کشش تولیدی نیروی کار نیز عدد $0/345$ می‌باشد و مفهوم آن این است که ۱ درصد افزایش در جمعیت شاغل سبب $0/345$ درصد افزایش در تولید ناخالص داخلی می‌شود، همچنین کشش تولیدی سرمایه انسانی عدد $1/933$ می‌باشد و مفهوم آن این است که ۱ درصد افزایش در شاخص سرمایه انسانی، سبب $1/933$ درصد افزایش در تولید ناخالص داخلی می‌شود و نهایتاً اینکه کشش تولیدی شاخص حکمرانی عدد $0/836$ می‌باشد و مفهوم آن این است که ۱ درصد بهبود در شاخص حکمرانی سبب $0/836$ درصد افزایش در تولید ناخالص داخلی می‌شود، به عبارت دیگر بهبود شاخص حکمرانی تأثیر مثبت در تولید ناخالص داخلی دارد و این نتیجه در واقع تأییدکننده مبانی نظری این تحقیق می‌باشد.

جدول (۲) ضراب تخمین زده شده

متغیرهای مستقل	ضرایب تخمینی	آماره محاسباتی t
LnA	-۱/۶۹۱	-۱/۲۶۶
LnK _i	۰/۶۱۰۲	۹/۵۴۶
LnL _i	۰/۳۴۵	۴/۷۴۸
LnH _i	۱/۹۳۳	۲/۶۴۰
LnGov _i	۰/۸۳۶	۴/۳۵۳
$R^2 = 0/93$	$F = 246/316$	-

مأخذ: یافته‌های تحقیق

همچنین آزمون F (آزمون معنی داربودن کلی رگرسیون) حاکی از معنی داربودن کلی مدل در سطح ۹۵ درصد است. سطح ضریب R^2 نیز برابر با ۹۳ درصد می‌باشد. این سطح ضریب حاکی از آن است که حدود ۹۳ درصد از تغییرات تولید ناخالص داخلی توسط متغیرهای معرفی شده در مدل قابل توضیح است. آماره دوربین-واتسون، $D-W$ ، نیز که نشان‌دهنده وجود یا عدم وجود خود همبستگی است از وضعیت مناسبی برخوردار است و عدد به دست آمده نشان می‌دهد در مدل مورد نظر خود همبستگی وجود ندارد.

۶- بحث و نتیجه‌گیری

در این مقاله به دنبال یافتن میزان سهم حکمرانی خوب در تولید ناخالص داخلی در مقایسه بین کشورهای مختلف جهان هستیم، نتایج بدست آمده نشان می‌دهند که حکمرانی خوب، تأثیر مثبت و معنی‌داری بر تولید ناخالص داخلی دارد و با بهبود شاخص حکمرانی، میزان تولید ناخالص داخلی افزایش می‌یابد، به این ترتیب که به ازای هر ۱ درصد بهبود در شاخص حکمرانی، تولید ناخالص داخلی، ۰/۸۳ درصد افزایش می‌یابد. همچنین نتایج بدست آمده نشان می‌دهد که با افزایش سرمایه فیزیکی و جمعیت شاغل، تولید ناخالص داخلی افزایش می‌یابد، به این صورت که ۱ درصد افزایش در سرمایه فیزیکی سبب ۰/۶۱۰ درصد افزایش در تولید ناخالص داخلی می‌شود و ۱ درصد افزایش در جمعیت شاغل سبب ۰/۳۴۵ درصد افزایش در تولید ناخالص داخلی می‌شود، به عبارت دیگر کشش تولیدی نحوه حکمرانی، سرمایه فیزیکی و نیروی کار به ترتیب ۰/۸۳، ۰/۶۱۰ و ۰/۳۴۵ می‌باشد. سطح ضریب R^2 نیز برابر با ۹۳ درصد می‌باشد، این سطح ضریب حاکی از آن است که حدود ۹۳ درصد از تغییرات تولید ناخالص داخلی توسط متغیرهای معرفی شده در مدل قابل توضیح است.

نتایج این تحقیق از جهت وجود تأثیر مثبت و معنی دار نحوه حکمرانی بر تولید ناخالص داخلی، مشابه نتایج اکثر مطالعاتی است که با استفاده از داده‌های بانک جهانی و توسط پژوهشگران خارجی و داخلی انجام شده و در ادبیات موضوع ذکر گردیده است و در حقیقت یافته‌های تجربی تاییدی است بر مبانی نظری که در این تحقیق از آن استفاده شده است.

نتایج تحقیق نشان می‌دهد که سیاستگذاران اقتصادی کشور برای افزایش تولید ناخالص داخلی و در نتیجه بهبود رشد اقتصادی، می‌بایست در کنار توجه به افزایش سرمایه فیزیکی، اشتغال و سرمایه انسانی، توجه خاصی نیز به نحوه حکمرانی و ایجاد شرایط و بسترهای مناسب جهت بهبود آن داشته باشند و لذا فعالیت‌های انجام شده جهت بهبود نحوه حکمرانی را به مثابه یک سرمایه‌گذاری مفید تلقی کنند که نتیجه آن افزایش تولید ناخالص داخلی و در نتیجه رشد اقتصادی و افزایش رفاه جامعه می‌باشد.

منابع

- کميجانی، اکبر؛ سلاطین، پروانه (۱۳۸۷) تأثیر حکمرانی خوب بر رشد اقتصادی در گروه کشورهای منتخب OPEC و OECD، فصلنامه مدل‌سازی اقتصادی، سال دوم، شماره ۲، "پیاپی ۶"، زمستان، صفحات ۱-۲۴.
- مهدوی عادل، محمدحسین؛ حسین‌زاده بحرینی، محمدحسین؛ جوادی، افسانه (۱۳۸۷) تأثیر حکمرانی خوب بر جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در کشورهای با درآمد متوسط، مجله دانش و توسعه، سال پانزدهم، شماره ۲۴، پاییز.
- مبارک، اصغر؛ آذر پیوند، زیبا (۱۳۸۸) نگاهی به شاخص‌های حکمرانی خوب از منظر اسلام و تأثیر آن بر رشد اقتصادی، فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی، سال نهم، شماره ۳۶، زمستان.
- مهرآرا، محسن؛ اسدیان، زینب () تأثیر حکمرانی خوب بر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در کشورهای با درآمد متوسط.
- مطالعات اقتصاد بین‌الملل، سال بیستم، شماره پیاپی (۳۵) (۱۳۸۸) شماره دوم (دوره جدید)، پاییز و زمستان.
- می‌دری، احمد (۱۳۸۳) تغییر در سیاست‌های بانک جهانی و پیدایش نظریه حکمرانی خوب، فصل‌نامه مفید، شماره ۴۲، خرداد و تیر.
- Ke Yang, Baiming Chen Hongliang Du, Xiumei Tang (2011) "The Contribution of Cultivated Land Occupation by Construction to China's Economic Growth", *J. Geogr. Sci.*, 21(5): 897-908.
- Valentin Ngobo Paul, Fouda Maurice (2012), "Is Good Governance Good for Business? A Cross-national Analysis of Firms in African Countries", *Journal of World Business*, Vol 47, Issue 3, Pages 435-449.
- Morrissey Oliver, Udomkerdmongkol Manop (2012) "Governance, Private Investment and Foreign Direct Investment in Developing Countries", *World Development*, Volume 40, Issue 3, 437-445

- White, H. (1980) "A Heteroscedasticity Consistent Covariance Matrix Estimator and a Direct Test of Heteroscedasticity," *Econometrica*, vol. 48, pp. 817-818.
- Gujarati, D. (2004) *Basic Econometrics, Fourth Edition*, The McGraw-Hill Companies.
- Huynh, Kim P, Jacho-Chavez David T. (2009) "Growth and Governance: A Nonparametric Analysis", *Journal of Comparative Economics* No 37, 121-143.
- Aidt Toke, Dutta Jayasri, Sena Vania (2008) "Governance Regimes, Corruption and Growth: Theory and Evidence", *Journal of Comparative Economics* No. 36, 195-220.
- Lio Monchi, Liu Meng-Chun (2008) "Governance and Agricultural Productivity: A Cross-national Analysis ", *Food Policy* No. 33, 504-512.
- Jalilian Hossein, Kirkpatrick Colin, Parker David (2007) "The Impact of Regulation on Economic Growth in Developing Countries: A Cross-Country Analysis", *World Development* Vol. 35, No. 1, pp. 87-103.